

یادداشت

بنیادی ترین نقصان سیاست خارجی ایران



بهرام امیراحمدیان

تحلیلگر مسائل بین الملل

یکی از مفاهیمی که از اقتصاد و کارآفرینی به متون سیاست خارجی و روابط بین الملل وارد شده تحت عبارت Hedging شناخته می شود. بجز چند کشور، اکثریت کشورهای جهان با فکر، مشورت، محاسبه، برنامه ریزی و آینده نگری، این مفهوم را به کار گرفته اند. از امارات تا چین، از مکزیک تا هند، از قطر تا برزیل، از عمان تا اندونزی، عموماً مفهوم Hedging را کانون حکمرانی قرار داده اند. به عبارت دیگر در این جهان چند قطبی اقتصاد و سیاست، همه درحال افزایش آلترناتیوها، گسترش فرصت ها، ایجاد کثرت در منابع واردات و صادرات و سرمایه گذاری، متنوع منابع تأمین اسلحه، کاهش ریسک و مخاطرات، تنوع استراتژی های تأمین منافع و امنیت ملی و وسیع ترکردن دوایر تحرک و انژنداری درروابط خارجی هستند. عربستان هم زمان با آمریکا، با روسیه و چین روابط گسترده ایجاد کرده است. مکزیک، هم با آمریکا روابط استراتژیک برقرار کرده و هم با چین. ویتنام هم به صورت گسترده با هم چین مروده دارد و هم با آمریکا و اتحادیه اروپا. هند، هم افزایش حضور سیاسی و اقتصادی در آسیا را دنبال می کند و هم در غرب اروپا و آمریکای شمالی، اندونزی با فکر و برنامه ریزی و اندیشه درازمدت، توانی میان روابط غرب و شرق خود ایجاد کرده است. اگر مقیاس کوچک و بزرگ را در نظر نگیریم و به کیفیت و عمق توجه کنیم، موفق ترین کشور غیر غربی جهان در Hedging امارات متحده عربی است. نه دیپلماسی انرژی با مسکو را فراموش کرده و نه خرید سهام قابل توجه از صنعت باطری سازی چین را، نه ابتیاع یک کارخانه تولید تسلیحاتی برزیلی را، نه سرمایه گذاری مالی در غرب اروپا را و نه Silicon Valley را. مانند آنها که وقتی در بورس سرمایه گذاری می کنند به صورت Portfolio investment عمل می کنند. اگر دانشجویی در یکی از دانشگاه های مهم دولتی، لیسانس در مهندسی یا علوم انسانی بگیرد، یک سطح از توانایی، فرصت و Hedging را به دست آورده است. اگر در رزومه خود بنویسد: تسلط به زبان های انگلیسی و چینی، سطح Hedgingافزایش پیدا می کند. اگر در سه کنفرانس مهم بین المللی، مقاله ارائه کند، Hedging چند برابر می شود. ریسک بیکاری را اینگونه کاهش می دهد و در پیدا کردن کار دراولویت قرار می گیرد و سپس می تواند انتخاب کند. با افزایش توانایی، دانش و مزیت، ریسک های زندگی خود را جنبه نزولی می بخشد. اگر در شغلی که انتخاب می کند رضایت نداشت، فرصت ها برای او فراوان است. در این جهان متکثر و متنوع، چه فرد، چه بنگاه اقتصادی، چه نهادها و چه دولت ها عموماً در حال کاهش ریسک، حفاظت از خود و افزایش فرصت ها هستند. معلوم نیست سیاست خارجی ایران در عرصه های اقتصادی و سیاسی، Hedging دارد یا خیر؟ کدام کالا، فرآورده و یا خدمات ایران، در اقتصاد منطقه ای یا بین المللی، خاص و ممتاز است و مصرف کنندگان خارجی به آن ها وابسته اند؟ زعفران اسپانیا، پتروشیمی عربستان، خاپویر روسیه، نفت عراق، پسته آمریکا، فرش هند و گاز قطر به وفور یافت می شوند و سهم ایران از بازار جهانی را کاهش نداده اند. در جهان امروز، شرکت ها و کشورها تلاش می کنند دیگران را در مزیتی که در اختیار دارند به خود وابسته کنند؛ کارگر ارزان در ویتنام، پیچیده ترین تشکیلات تولید ماشین در تایوان، سوسپید انرژی و اجازه در چین، مالیات بسیار پائین شرکت ها در تکراس، فضای کسب و کار مساعد در امارات نسبت به دیگر کشورهای عربی خلیج فارس، فرصت سرمایه گذاری های فراوان در ترکیه، همکاری های فن آوری در کره جنوبی و ژاپن. عموماً همه در حال ایجاد آلترناتیو و بهره برداری از فرصت های ممکن و افزایش Leverage و یا اهرم هستند. اقتصاد ایران تاکنون چنین استراتژی درازمدتی را به توجه به سرمایه ها و مزیت های فراوان کشور ایجاد نکرده است. اقتصاد ایران در کوران راهروهای تولید، سرمایه گذاری و فن آوری جهان نیست چون به نظر می رسد تلقی از مدیریت اقتصادی، عمدتاً تأمین اوراق عمومی است. پرسش کلیدی این است که ایران خود را در این شبکه به هم تنیده جهانی چگونه تعریف می کند؟ در عرصه سیاسی نیز، Hedging ایران بسیار محدود است. شاید بشود ادعای علمی کرد که ایران با هیچ کشوری، روابط دو جانبه به هم تنیده درازمدت متقابل همه جانبه با دوام استراتژیک ندارد. با تعدادی کشور دوست است و رفت و آمد دارد ولی وفاداری یا پابندی آن ها هنگام بحران با خطر، تاکنون قابل اطمینان نبوده است. به نظر می رسد در عرصه سیاسی، آن هایی که با ایران دوست هستند بیشتر سنت «دوری و دوستی» را برگزیده اند. Hedging و Leverage ایران بیشتر در مدارهای نظامی و در جهت بازآرندنگی و با پشتوانه متکب امنیتی و اندیشه ای در bay enemies است. Keeping enemies به یک معنا، سیاست خارجی ایران، از Leverage نظامی و امنیتی بهره مند است و آن هم با احتیاط مدیریت می شود. کودکی که هفت سال سن دارد اهمیت یادگیری شنأ، آموختن زبان های خارجی، عادت کردن به مطالعه و پذیرفتن آداب مدنی را نمی داند. پدر و مادر هستند که با فکر، برنامه ریزی، هزینه کردن، آموزش و آینده نگری، فرزند خود را برای سن ۲۰ و ۳۰ سالگی آماده می کنند. کشوری موفق است که حکمرانان آن به لحاظ وسعت اندیشه و برنامه ریزی، ۵۰ سال از جامعه جلوتر باشند. در سال ۲۰۵۰ جهان چگونه خواهد بود؟ احتمالاً در آن موقع، ثروت امارات پانزده میلیون نفری از دو تریلیون دلار فراتر خواهد رفت و گستردگی و تکثر Hedging آن، ده ها بلکه صدها برابر خواهد شد. همین طور در آن موقع، عربستان با جمعیت ۵۰ میلیون نفری از تولید ناخالص داخلی سه تریلیون دلاری بهره مند خواهد بود. در این ثروت و تنوع عربستان، امارات و قطر با Leverage آنها در فن آوری، انرژی و قدرت مالی، بسیاری از کشورهای کوچک و بزرگ منطقه از جمله مصر قابل تصور ۱۶۰ میلیون نفری در آن موقع و یا پاکستانی که جمعیت آن به ۳۷۰ میلیون نفر در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید، تحت نفوذ ساختاری راض، ابوظبی و دوحه خواهند بود. کشوری که ثروت تولید نکند و به فکر سی سال آینده نباشد، چگونه می تواند صرفاً خود را مدیریت کند؟ قدرت و نفوذ در مرحله ای بالاتر و به مراتب چالشی تر هستند. سیاست خارجی ایران با توجه به تحولات سریع فن آوری و تولید ثروت منطقه ای و جهانی، نیازمند یک استراتژی Hedging است که تمامی شاخه های اقتصادی، نظامی، مالی، سیاسی و فن آوری را دارا باشد.

حسن بهشتی پور در گفت وگو با «آرمان ملی»:

تهاجم اسرائیل

برخلاف ادعاهای بزرگ آنها بود



شرایط برای گفت وگو و مذاکره با غرب مناسب نیست

با تلاش عراقچی حريم هوایی کشورهای منطقه روی

اسرائیل بسته شد

«آرمان ملی»- احسان انصاری: حمله اسرائیل به نقاطی در کشورمان در حالی رخ داد که جزئیات این تجاوز نشان می دهد آنچه که رخ داد، فاصله معناداری با ادعاهای مطرح شده داشته است. به نظر می رسد اقدام ضعیف و سطحی اسرائیل بیشتر به قصد جلوگیری از پاسخ شدید ایران بوده است تا یک اقدام خصمانه شدید. در حالی که آمریکا از ایران خواسته به حمله واکنش نشان دهد تا دور جدیدی از مقابله شکل نگیرد و رویارویی مستقیم پایان یابد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی پیامدهای ماجراجویی رژیم صهیونیستی با حسن بهشتی پور تحلیلگر روابط بین الملل گفت وگو کرده است. بهشتی پور در این زمینه معتقد است: «در مورد اینکه ایران در ارتباط با حمله صورت گرفته چه تصمیمی می گیرد، موضوعی است که برای روشن

مهم ترین هدف اسرائیل از حمله به ایران چه بود و آیا به اهداف خود رسید؟

پس از عملیات وعده صادق ۲ اسرائیلی ها اعلام کرده بودند که حمله سختی خواهند کرد و تهدیدات گسترده ای را در این زمینه انجام دادند ولی عملیات انجام شده برخلاف تبلیغات صورت گرفته وسیع نبود. نکته دیگر اینکه پدافند ایران قوی عمل کرد و اجازه نداد که حملات صهیونیست ها به نتیجه برسد و همچنین به خاطر فاصله و مسافت زیاد، اسرائیلی ها نتوانستند اقدام چندان موثری انجام دهند. با این حال در این عملیات تهران بعد از سال ها مورد حمله رژیم صهیونیستی قرار گرفت و به همین دلیل مسئولان باید در تقویت پدافند عامل و غیر عامل اقدامات بیشتری انجام دهند. در مورد اینکه ایران در ارتباط با حمله صورت گرفته چه تصمیمی می گیرد، موضوعی است که برای روشن شدن ابعاد آن باید صبر کرد. تصمیم گیری تنها در اختیار ایران است که چه واکنشی نشان بدهد. ممکن است تصمیم این باشد که پاسخ مستقیم داده نشود به این دلیل که این اقدام موثر و جدی نبوده و یا اینکه پاسخ متقابل و مستقیم داده شود و مثلاً عملیات وعده صادق ۳ انجام شود که این تصمیم اقتضائات خود را خواهد داشت. باید با در نظر گرفتن تمام ابعاد موضوع از قبیل پدافند عامل و غیرعامل تصمیم گرفته شود. ایران بارها اعلام کرده قصد دامن زدن به تنش در منطقه را ندارد اما این اسرائیلی ها و به خصوص شخص نتانیاهو است که می خواهد بحران و تنش را در منطقه گسترش دهد. در هر حال نباید امکان بهره برداری به نتانیاهو داده شود و نباید اجازه دهیم که به اهداف مورد نظرش برسد. ایران باید با همکاری کشورهای منطقه یک اقدام مشترک دیپلماتیک علیه نتانیاهو و تلاش برای توقف جنایت های او انجام دهد.

در چنین شرایطی آیا ایران تلاش خواهد کرد اهداف خود را از طریق دیپلماسی پیش ببرد؟

ایران در ماه های اخیر در هر دو زمینه فعال بوده است. با این وجود باید این نکته را مورد توجه قرار داد که در شرایط جنگی مذاکره کار ساز نیست در واقع شرایط برای مذاکره باید فراهم باشد. در شرایط جنگی نمی توانیم با آمریکا و اروپا مذاکره کنیم، برای همین امروز عادی سازی مناسبات در دستور کار وزارت امور خارجه نیست و در مقابل مدیریت تنش دنبال می شود. مناسبات سیاست خارجی در شرایط جنگی یا وضعیتی مشابه تنش فعلی، متفاوت از شرایط عادی است. با توجه به شرایط حساس منطقه و موقعیتی که ایران و آمریکا در این درگیری دارند، آمادگی عادی سازی روابط در هیچ کدام از طرف ها وجود ندارد. روند گفت وگو نیز از یک موضوع مشترک شروع می شود که برای طرفین درجه اهمیت یکسانی دارد. مذاکرات ایران و غرب، ایران و آمریکا و یا ایران و پنج به علاوه یک از موضوع توافق برجام شروع خواهد شد. اگرچه برجام با خروج ایران توافق اجرایی نشد و در نظر منتقدانش توافقی ناکارآمد جلوه کرد، ولی یک

بعد از عملیات وعده صادق ۲ ایران به مراکز نظامی اسرائیل، شب گذشته این رژیم به تأیید بیانیه سپاه پاسداران در یک اقدام «تنش زا» به چند مرکز نظامی ایران حمله کرد. بیانیه های بعدی سپاه و وزارت خارجه هر دو حاکی از لحنی تند در پاسخ گویی و واکنش به اسرائیل بود. اما ضرب الاجلی برای پاسخگویی تعیین نشد. واکنش با بازار تهران نیز بعد از یک هفته صعود طلا و ارز، نزولی شد. این شرایط جنگی و تنش ها برای بازگشت به منطقه خاکستری درگیری آماده تر می کند. می توان گفت که با این نوع از حمله امکان بازگشت دو طرف به منطقه خاکستری درگیری بیشتر شده است. البته در تهران و در تل آویو کسانی نگاه دیگری دارند و برخی تلاش می کنند که سطح نزاع روزه روز افزایش یابد. تمایل اسرائیل این است که پاسخ ایران و درگیری ها تا قبل از انتخابات آمریکا به نقطه جوش برسد. اما به



شدن ابعاد آن باید صبر کرد. در اختیار ایران است که چه واکنشی نشان بدهد. ممکن است تصمیم این باشد که پاسخ مستقیم داده نشود به این دلیل که این اقدام موثر و جدی نبوده و یا اینکه پاسخ متقابل و مستقیم داده شود و مثلاً عملیات وعده صادق ۳ انجام شود که این تصمیم اقتضائات خود را خواهد داشت. باید با در نظر گرفتن تمام ابعاد موضوع از قبیل پدافند عامل و غیر عامل تصمیم گرفته شود. ایران بارها اعلام کرده قصد دامن زدن به تنش در منطقه را ندارد و این اسرائیلی ها و به خصوص شخص نتانیاهو است که می خواهد بحران و تنش را در منطقه گسترش دهد. در هر حال نباید امکان بهره برداری به نتانیاهو داده شود و نباید اجازه دهیم که به اهداف مورد نظرش برسد. در ادامه ماحصل این گفت وگو را می خوانید.

در شرایط جنگی نمی توانیم با آمریکا و اروپا مذاکره کنیم، برای همین امروز عادی سازی مناسبات در دستور کار وزارت امور خارجه نیست و در مقابل مدیریت تنش دنبال می شود

منطقه ای خود بر این نکته بسیار مهم تأکید کرده است که ایران پای همه چیز ایستاده و با هر تهدیدی مقابله می کند، یعنی ایران صرفاً دنبال دیپلماسی نیست، بلکه با دنبال کردن سیاست کمک به استقرار صلح و امنیت از طریق گفت وگو با کشورهای صلح طلب و مقابله با جنایت اسرائیل در منطقه است. آنچه وزیر امور خارجه در سفرهای منطقه ای عنوان کرده نشان دهنده قوت ماست و اینکه ایران آمادگی دارد با هرگونه تجاوز رژیم صهیونیستی برخورد کند. نکته مهم در این زمینه اینکه عادی سازی روابط ایران و مصر در معادلات قدرت آینده خاورمیانه بسیار تعیین کننده است. به همان شکل که عادی سازی روابط ایران و عربستان یک نقطه عطف بود، عادی سازی روابط ایران و مصر هم یک نقطه عطف در روابط دو جانبه و معادلات قدرت در غرب آسیا و شمال آفریقا است.

آمریکا از ایران خواسته که به حمله پاسخ ندهد. چرا آمریکا برای توقف تنش و درگیری در منطقه از راه کنترل رژیم صهیونیستی، تلاش چشمگیر و موثری انجام نمی دهد؟

اسرائیل متحد استراتژیک آمریکاست. متحد استراتژیک یعنی دو کشور در همه حوزه های نظامی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی ...، روابط راهبردی و نزدیک دارند. وقتی دو کشور در همه زمینه ها همسو باشند متحد استراتژیک هستند. آمریکا و اسرائیل متحد استراتژیک هستند چه رئیس جمهور آمریکا ترامپ باشد چه هریس و بایدن. اما در عین حال، حتی دو متحد استراتژیک هم ممکن است با هم اختلاف داشته باشند. امروز اختلاف نتانیاهو با بایدن نمایان است و حتی ممکن است با ترامپ هم اختلافاتی داشته باشد، اما با جنایاتی که اسرائیل در غزه صورت داده و ۴۲ هزار نفر راکشته که اکثریت این قربانیان را زنان و کودکان تشکیل می دهند طبیعی است که ترامپ نیز ملاحظاتی داشته باشد. نتانیاهو علناً جنایت می کند و این باعث شده حتی فردی مانند ترامپ هم نتواند علناً از او دفاع کند. با این حال حتی اگر نتانیاهو هم نباشد و فرد دیگری روی کار باشد، روابط راهبردی میان اسرائیل و آمریکا دایم خواهد داشت. این وضعیت درباره احتمال پیروزی هریس در انتخابات نیز وجود دارد. بایدن نشان داد که زیاد از سیاست های جنگ طلبانه نتانیاهو حمایت نمی کند. آمریکا نمی خواهد مسئولیت بد مستنی نتانیاهو را برعهده بگیرد. امروز آمریکا در وضعیت انتخاباتی است و نمی خواهد یک بحران جدید ایجاد کند. واقعیت این است که اعتبار آمریکا در موضوع غزه بسیار لطمه خورده و نمی خواهد دوباره آبروی خود را در یک رویارویی دیگر هزینه کند. آمریکا به خاطر منافع خود بود که ایران را دعوت به آرامش کرد. اسرائیلی ها می دانستند که برای اینکه بتوانند به مرزهای شورمان نزدیک شوند، باید جانب آمریکا را داشته باشند. این در حالی است که ایران با کشورهای منطقه اتمام حجت کرده بود که اگر در کنار اسرائیل قرار بگیرند مورد هدف قرار خواهند گرفت. به همین دلیل هیچ کشور عاقلی به خاطر اسرائیل وارد درگیری و جنگ نمی شود.

ایران و اسرائیل؛ بازگشت به منطقه خاکستری درگیری

درباره واکنش ایران به حمله اسرائیل چه حدس هایی می توان زد؟

که واکنش ایران در مقابل چه میزان از تنش، چگونه خواهد بود. در دو حمله اخیر ایران و اسرائیل هیچ کدام از طرفین مناطق عمومی و مردمی را هدف نگرفتند. پیام ایران نیز به جهان و اسرائیل رسیده بود. ایران خط قرمزهای اساسی خود را مشخص کرده و تعیین کرده بود که هر نوع حمله به تاسیسات زیربنایی، نفتی و پالایشگاهی و یا تاسیسات اتمی ایران را معادل حمله به شهروندان به حساب آورده و پاسخ سختی به آن خواهد داد. اسرائیل این پیام را دریافت کرده بود. همچنین درز اسناد

نظر می رسد به دلیل همگرایی مناسبی که در داخل کشور میان میدان و دیپلماسی شکل گرفته نگرانی وجود نداشته باشد. لحن بیانیه های سپاه و وزارتخارجه کاملاً همسو بود. از سوی دیگر، یک طرف عراقچی در یک هفته گذشته به تمام کشورهای منطقه سفر می کند و پیام مشخص ایران مبنی بر اینکه «هرگونه اجازه به اسرائیل برای استفاده از خاک آن ها به معنی شراکت در حمله به ایران تلقی خواهد شد»، هشدار لازم را به کشورهای منطقه منتقل می کند؛ از سوی دیگر اظهارات مقامات نظامی ایران از جمله سردار عزیز جعفری نشان می دهد

تلنگر

ایران و اسرائیل؛ بازگشت به منطقه خاکستری درگیری

درباره واکنش ایران به حمله اسرائیل چه حدس هایی می توان زد؟

بعد از عملیات وعده صادق ۲ ایران به مراکز نظامی اسرائیل، این رژیم به تأیید بیانیه سپاه پاسداران در یک اقدام «تنش زا» به چند مرکز نظامی ایران حمله کرد. بیانیه های بعدی سپاه و وزارت خارجه هر دو حاکی از لحنی تند در پاسخ گویی و واکنش به اسرائیل بود. اما ضرب الاجلی برای پاسخگویی تعیین نشد. واکنش بازار تهران نیز بعد از یک هفته صعود طلا و ارز، نزولی شد. این شرایط جنگی و تنش ها برای بازگشت به منطقه خاکستری درگیری آماده تر می کند. می توان گفت که با این نوع از حمله امکان بازگشت دو طرف به منطقه خاکستری درگیری بیشتر شده است. البته در تهران و در تل آویو کسانی نگاه دیگری دارند و برخی تلاش می کنند که سطح نزاع روزه روز افزایش یابد. تمایل اسرائیل این است که پاسخ ایران و درگیری ها تا قبل از انتخابات آمریکا به نقطه جوش برسد. اما به نظر می رسد به دلیل همگرایی مناسبی که در داخل کشور میان میدان و دیپلماسی شکل گرفته نگرانی وجود نداشته باشد. لحن بیانیه های سپاه و وزارتخارجه کاملاً همسو بود. از سوی دیگر، یک طرف عراقچی در یک هفته گذشته به تمام کشورهای منطقه سفر می کند و پیام مشخص ایران مبنی بر اینکه «هرگونه اجازه به اسرائیل برای استفاده از خاک آن ها به معنی شراکت در حمله به ایران تلقی خواهد شد»، هشدار لازم را به کشورهای منطقه منتقل می کند؛ از سوی دیگر اظهارات مقامات نظامی ایران از جمله سردار عزیز جعفری نشان می دهد که واکنش ایران در مقابل چه میزان از تنش، چگونه خواهد بود.

کنترل تنش

در دو حمله اخیر ایران و اسرائیل هیچ کدام از طرفین مناطق عمومی و مردمی طرف مقابل را هدف نگرفتند. پیام ایران نیز به جهان و اسرائیل رسیده بود. ایران خط قرمزهای اساسی خود را مشخص کرده و تعیین کرده بود که هر نوع حمله به تاسیسات زیربنایی، نفتی و پالایشگاهی و یا تاسیسات اتمی ایران را معادل حمله به شهروندان به حساب آورده و پاسخ سختی به آن خواهد داد. اسرائیل این پیام را دریافت کرده بود. همچنین درز اسناد حمله اسرائیل به ایران از منابع اطلاعاتی آمریکا هم وضعیت برای اسرائیل روشن می کرد که آمریکا در شرایط حاضر، تمایلی به همراهی در چنان سطحی با اسرائیل ندارد این همان ما با جریان هایی روبه رو هستیم که یا از افزایش تنش بیشترین سود را خواهند برد، و یا کسانی هستند که هر نوع افزایش تنش میان ایران و اسرائیل برای آن تفاوت نخواهد کرد. این دو دسته تلاش می کنند سطح واکنش هادر منطقه قرمز و آتش باقی بماند. تا اینجا، اما به نظر می رسد ایران در کنترل شرایط دست بالا دارد و دیدگاه های خود را به تمام کشورها منتقل کرده است. ایران که نشان داد «اراده و واکنش متقابل خواهد داد. قرار گرفتن ایران در حالت تنش و باز گذاشتن مسیر انتقام، اسرائیل را در لاک دفاعی خواهد برد و این درست ترین سیاستی است که ایران در پیش گرفته است.

منطقه امنی

پیامتعا درگیری میان ایران و اسرائیل پایان نخواهد یافت. وارد شدن به منطقه خاکستری به معنای پایان ماجرا نیست، بلکه به نظر می رسد از این نقطه به بعد فشار اسرائیل در دو نقطه متمرکز شود. اول در جنوب لبنان که تنش می کند مناطق از جنوب لبنان را تحت اشغال خود درآورد. اگر چه این مساله فشار را بر لبنان افزایش می دهد، اما فضا برای درگیری مستقیم با نیروی زمینی اسرائیل را برای حزب ... را فراهم می کند. دوم انجام عملیات خرابکارانه، به نحوی که حمله مستقیم به تهران تلقی نشود. اما در عین حال یک حمله خرابکارانه به تاسیساتی باشد که ایران خط قرمز خود می داند. بدینانه ترین حالت این خواهد بود که سطح تنش ها پیوسته افزایش داشته باشد. احتمالی که به نظر می رسد در صد وقوع آن بسیار اندک است، اما نمی توان به کل آن را دور از ذهن دانست. این می تواند شرایط را بار دیگر وارد منطقه قرمز کند.

نه تعلل، نه هشتاب

به نظر می رسد بهترین تصمیم برای ایران این است که سیاست اعلام شده توسط مقام معظم رهبری در نماز جمعه را دنبال کند. رهبر فرمودند «ما در انجام این وظیفه، نه تعلل می کنیم، نه شتاب زده می شوم». به این ترتیب از آن سو که ایران در موضع طلبکاری قرار دارد و از سوی دیگر برخلاف فشار جریان جنگ طلب، «تسازنده» عمل نخواهد کرد. قرار گرفتن در موقعیت «انتقام و دوری از زتعمل و شتابزدگی» البته کشور را تحت فشار جریان هایی قرار می دهد که تداوم درگیری را طلب می کنند. یک سو جریان برانداز خارج نشین قرار دارد که از هر نوع تنش و درگیری استقبال می کند. از سوی دیگر تدره هایی که به تصمیم های کلان نظام بی توجه بوده و ساز خود را کوک می کنند. افزایش تنش برای آن ها به منزله این است که دولت را تحت فشار قرار دهند. واضح است که از وضعیت تنش آمیز و التهاب بازار مردم ایران سود نمی برند. در چهار هفته گذشته بدون اینکه هیچ درگیری رخ داده باشد، قیمت دلار و سکه در ایران افزایش پیدا کرد و به آرامش و امنیت اقتصادی مردم صدمه وارد شد. اما عده ای که آرامش و رفاه زندگی مردم برایشان بی اهمیت است، از افزایش تنش استقبال می کنند چرا که آن را مسبب تضعیف دولت پزشکشان ارزیابی می کنند.